

بکار بستن انسانیت، سرآغاز و سرانجام بهروزی و پیروزی است

- ۱- انسانیت مال من تنها نیست، مال همه است
 - ۲- انسانیت تک به تک و یکی یکی نیست، با همه است
 - ۳- انسانیت زدیگران جدا شدن و برتری جوئی نیست
 - ۴- انسانیت نژاد و رنگ ندارد و بدون ملیت است
 - ۵- انسانیت در بی زمان و مکان پدید آمده است
 - ۶- انسانیت بنیانگذار ارزش‌ها و ارزش‌مداری است
 - ۷- انسانیت مهر پذیر بودن است و مهر ورزیست
 - ۸- انسانیت از ناآگاهی به آگاهی پرواز کردن است
 - ۹- انسانیت ندانستن و ندانستن خود، پنهان کردن نیست
 - ۱۰- انسانیت آرزو کردن است و همیشه در تلاش بودن است
 - ۱۱- انسانیت درمانده و چشم‌پراه منجی آسمانی بودن نیست
 - ۱۲- انسانیت قضا و قدر نیست و چو خسی خود را به موج سپردن نیست
 - ۱۳- انسانیت بازیگر نمایش زندگی و ادای زندگان در آوردن نیست
 - ۱۴- انسانیت شعار دادن نیست، همیشه به عمل در آوردن است
 - ۱۵- انسانیت شاد بودن است و خنده بر لب داشتن است
 - ۱۶- انسانیت تلاش برای شاداب شدن و شاداب ماندن است
 - ۱۷- انسانیت خوشگذرانی را با شادی و شادابی جایگزین نکردن است
 - ۱۸- انسانیت دارا شدن است و پر از دارایی بودن است
 - ۱۹- انسانیت خواب خوش نیست و رویای شیرین دیدن نیست
 - ۲۰- انسانیت موسیقی است و آهنگ دلنشین شنیدن است
 - ۲۱- انسانیت آب را آلوده و هوا را پراز دود نکردن است
 - ۲۲- انسانیت پراز خدعه و نیرنگ بودن و دروغ پردازی نیست
 - ۲۳- انسانیت جلوزدن و همه را پشت سر گذاشتن نیست
 - ۲۴- انسانیت از همه وسیله ساختن و خود را به بزرگی رساندن نیست
 - ۲۵- انسانیت موج خشمگین دریا و بازداشتن همه نیست
 - ۲۶- انسانیت ازین و آن خرده گرفتن و خود را بهتر از همه دیدن نیست
 - ۲۷- انسانیت کینه توزی و دشمنی کردن و ز خود راندن نیست
 - ۲۸- انسانیت هرزه گویی و به بی ادبی مباحثات کردن نیست
 - ۲۹- انسانیت خود را باوراندن و کورکورانه پیروی کردن نیست
 - ۳۰- انسانیت یک رهبر و الامقام یافتن و او را دنباله رو بودن نیست
 - ۳۱- انسانیت چاپلوسی کردن و بوسه بر پای بزرگان نهادن نیست
 - ۳۲- انسانیت به ظلم چشم فرو بستن و به بیداد بی خیال گشتن نیست
 - ۳۳- انسانیت پر از سخن‌ها است و بسیار "گفتنی" دارد
 - ۳۴- انسانیت آن داستانیست که شنیدنش پر از شیرینی است
 - ۳۵- انسانیت پر از تعصب شدن به قبول داشتن فلانی نیست
 - ۳۶- انسانیت همه چشم است و همه را به یک چشم دیدن است
 - ۳۷- انسانیت به بخشیدن مال و منال و خریدن جاه و جلال نیست
 - ۳۸- انسانیت عقل و عشق را به جنگ یکدیگر بردن نیست
 - ۳۹- انسانیت عشق عام داشتن است و عقل خود را "کل" ندیدن است
 - ۴۰- انسانیت پشت‌بر زمین راه، نشان دادن و تشسته راه، برپا داشتن است
 - ۴۱- انسانیت آهسته رو را دواندن و دوان را به پرواز در آوردن است
 - ۴۲- انسانیت از آنرو که حقیقت است، مال نیست و فروشی نیست
 - ۴۳- انسانیت نمرده است و گرچه، نحیف و پژمرده شده است
 - ۴۴- انسانیت آن تک حقیقت است که "شده" است
- انسانیت در من تنها نیست، در همه هست
 انسانیت گسسته و جدا جدا از هم نیست، پیوسته است
 انسانیت همبستگی همیشگی و "همه با هم برابر" است
 انسانیت نر و ماده ندارد و بدون جنسیت است
 انسانیت در هر زمان و در هر مکان پدیدار است
 انسانیت از آغاز و بی پایان، خود صاحب ارزش است
 انسانیت شبانه روز پاسدار مهربانی بودن است
 انسانیت همهی ناآگاهان را به آگاهی رساندن است
 انسانیت یادگرفتن است و نمایش دانائی ندادن است
 انسانیت اختیار خویش داشتن و به آزادی زیستن است
 انسانیت بپاخاستن است و کمر همت به نجات بستن است
 انسانیت نویسنده بودن است و سرنوشت خود را، خود نوشتن است
 انسانیت زنده بودن است و هر روز به ز دیروز بودن است
 انسانیت بالیدن به "داشتنش" نیست، "داشته" ها را، خرج کردن است
 انسانیت هر خمود و افسرده را لبخند دادن است
 انسانیت هم‌نوع غمزده و پژمرده را شاداب کردن است
 انسانیت زیاد شدن مادی را به جای "فریبگی انسانیت" ندیدن است
 انسانیت آن‌که ندار است راه، به دارایی رساندن است
 انسانیت بیدار بودن است و همه را بیدار کردن است
 انسانیت هنر است و زیبایی را "خوب" دیدن است
 انسانیت درخت کاشتن است و طبیعت را ارج نهادن است
 انسانیت راست و یکرنگ بودن و راستی را پاسداری کردن است
 انسانیت دست دوستی دراز کردن و همه با هم رسیدن است
 انسانیت راهبر و مربی شدن است و کهتران را پروراندن است
 انسانیت مثل باران، پایین آمدن و روان و همراه ماندن است
 انسانیت خرده‌های خودگرفتن است و هم‌روز، پاک شدن است
 انسانیت همه را بسوی خود خواندن و دوستی را پخش کردن است
 انسانیت ادب داشتن و اجتماع انسانی را محترم داشتن است
 انسانیت یادگرفتن باورها است و در آگاهی، انتخاب کردن است
 انسانیت در حقیقت، همان رهبری و امامت است که در همه است
 انسانیت فریاد دادستانی به رخ هر بزرگ ستمگر کشیدن است
 انسانیت فریاد برای ستم دیده کشیدن و همدوش دادخواه ماندن است
 انسانیت سخن "لب دوختگان" را، بانگ بر آوردن است
 انسانیت سخن حق را به گوش هر حق ستیز و ستمگر رساندن است
 انسانیت دگر اندیش بودن است و اندیشه را محترم شمردن است
 انسانیت همه گوش است و به سخن کهتران گوش دادن است
 انسانیت به شریک دانستن "ندار" و بده کاری خود، پرداختن است
 انسانیت عقل را بکار بستن است و با آن، به عشق رسیدن است
 انسانیت دوستی را پس نزدن و دست دوستی به همه دادن است
 انسانیت ایستاده راه، براه انداختن و در راه راه، هدایت کردن است
 انسانیت نابینا و ناشنوا را چشم و گوش باز کردن است
 انسانیت را هر که خیال خریدن کند، خود در خیال و در وهم است
 انسانیت آن پاینده‌ی همیشگیست که به همهی ما فرازنده است
 انسانیت در حقیقت، تنها راه برای "شدن" است